

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ کتابت و قرائات قرآن کریم

دکتر محسن رجبی قدسی

تابستان ۱۳۹۸

درسمو دانشگاه
علوم قرآن و حدیث

رجبی قدسی، محسن، ۱۳۵۰ -

تاریخ کتابت و قرائات قرآن کریم / محسن رجبی قدسی - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸. سیزده، ۲۹۸ ص: - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۸۲: قرآن پژوهی؛ ۵۸)

ISBN: 978-600-298-248-3

بها: ۳۱۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه، ص. [۲۶۱] - ۲۸۱: همچنین به صورت زیرنویس. نمایه.

۱. قرآن -- تلاوت -- تاریخ. ۲. Qur'an -- Reading -- History. ۳. قرآن -- جمع و گردآوری.

۴. Qur'an -- Collection. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۵۱

BP۷۵/۳ت۲ ۱۳۹۷

شماره کتابشناسی ملی

۵۵۴۲۰۷۲



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مرکز باطنی و تربیتی آموزش عالی قرآنی کشور



تاریخ کتابت و قرائات قرآن کریم

مؤلف: دکتر محسن رجبی قدسی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم)

ناظر: دکتر محمدرضا ستوده نیا

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۱۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

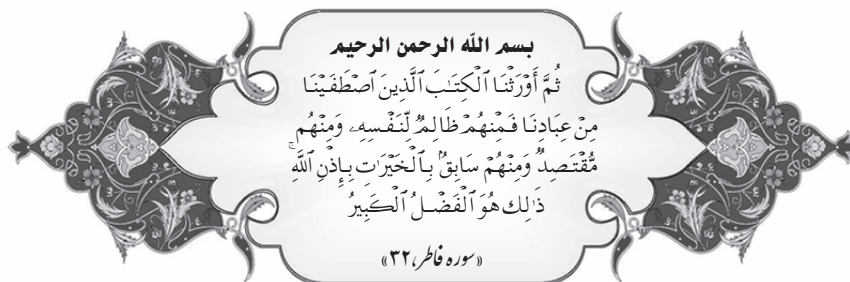
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰۲۶۴۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرّا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه

پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۵۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع اصلی درس تاریخ کتابت و قرائات قرآن کریم (که پیش از این با عنوان تاریخ قرآن ارائه می شد) برای دانشجویان رشته های الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی فراهم آمده است که البته دیگر علاقه مندان به این زمینه تحقیقی نیز می توانند از آن بهره مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم اثر، دکتر محسن رجبی قدسی و نیز از ناظر محترم دکتر محمدرضا ستوده نیا سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده سازی و انتشار این اثر نقش داشته اند؛ سپاسگزاری می شود.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
تعریف مفاهیم پایه.....	۷
۱. قرآن.....	۷
۲. قرائت.....	۸
۳. تلاوت.....	۸
۴. کتابت.....	۹
۵. خط.....	۱۰

درس اول: ابلاغ و آموزش قرآن در سیره نبوی

ابلاغ قرآن در مکه.....	۱۱
ابلاغ قرآن در مدینه.....	۱۴
إقراء (تعلیم قرآن).....	۱۶
قلب انسان، جایگاه شایسته قرآن.....	۱۸
○ خلاصه درس.....	۱۹
○ پرسش.....	۱۹
○ پژوهش.....	۱۹

درس دوم: ترویج قرآن در عهد نبوی

تعلیم و تَعْلُم هم‌زمان.....	۲۱
ترویج قرآن در نماز و مسجد.....	۲۲

- گسترش قرائت قرآن در بیرون از مدینه ۲۶
- اصلاح غیرمستقیم اشتباه‌ها ۲۶
- عرضه قرائت ۲۸
- خلاصه درس ۲۹
- پرسش ۳۰
- پژوهش ۳۰

درس سوم: کاتبان وحی و ابزار کتابت قرآن در عصر نزول

- ابزار کتابت قرآن در عصر نزول ۳۱
- خانواده خطوط سامی ۳۵
- کاتبان وحی ۴۰
- تشویق به نوشتن قرآن و خواندن از روی مصحف ۴۲
- خلاصه درس ۴۵
- پرسش ۴۵
- پژوهش ۴۵

درس چهارم: جمع و تدوین قرآن کریم با تعلیم و نظارت پیامبر اکرم

- کیفیت نزول سوره‌ها و شیوه جمع و تدوین آنها ۴۹
- الف) سوره‌های یکپارچه ۴۹
- ب) سوره‌هایی که واحدهای موضوعی آنها در پی هم نازل می‌شدند بی‌آنکه آیتی از سوره‌های دیگر در میان آنها نازل شود ۵۰
- ج) سوره‌های تألیفی ۵۲
- دلایل جمع و تدوین قرآن در عهد نبوی ۵۲
- مصحف حضرت علی (علیه السلام) ۵۹
- خلاصه درس ۶۶
- پرسش ۶۶
- پژوهش ۶۷

درس پنجم: نزول قرآن بر هفت حرف و پیدایش قرائات

- پیامبر اکرم و تحسین قرائت‌های صحابه ۷۰
- واکاوی حدیث «نزول قرآن بر هفت حرف» ۷۳

۷۳ بخش توصیفی
۷۴ معنای «حرف»
۷۵ جایگاه حرف «عَلَى»
۷۶ بخش دستوری
۷۷ هفت حرف اصلی زبان قرآن
۷۹ زمینه‌های صدور حدیث «نزول قرآن بر هفت حرف»
۷۹ ۱. اختلاف لهجه و زبان انسان‌ها
۸۴ ۲. آسان‌سازی قرائت قرآن و بستن راه هرگونه سخت‌گیری
۸۷ ۳. تبیین هدف آموزش قرآن (= آموزش زبان قرآن)
۸۷ ○ خلاصه درس
۸۸ ○ پرسش
۸۸ ○ پژوهش

درس ششم: فراگیری زبان قرآن با گسترش تصریف کلمات، آیات و سوره‌های آن

۸۹ زبان قرآن: عربی مبین
۹۱ اسلوب تصریفی زبان قرآن
۹۴ ۱. نمونه‌هایی از تصریف و جایگزینی کلمات
۹۷ ۲. نمونه‌هایی از تصریف آیه‌ای
۹۷ ۳. نمونه‌هایی از تصریف سوره‌ای
۱۰۰ معیار درستی قرائت‌های تصریفی
۱۰۵ ○ خلاصه درس
۱۰۵ ○ پرسش
۱۰۵ ○ پژوهش

درس هفتم: گردآوری قرائت‌های تصریفی پیامبر اکرم ﷺ

۱۰۷ جمع قرآن در زمان ابوبکر
۱۰۹ شیوه‌های رفع تعارض خبر جمع قرآن در زمان ابوبکر با روایات جمع قرآن در عهد نبوی
۱۱۱ بازخوانی خبر جمع قرآن در زمان ابوبکر با روایت نزول قرآن بر هفت حرف
۱۱۴ هدف ابوبکر از جمع‌آوری قرائت‌های تصریفی پیامبر ﷺ
۱۱۶ سرنوشت صحف گردآوری شده در زمان ابوبکر
۱۱۸ جمع قرآن در زمان عمر بن خطاب
۱۲۰ ○ خلاصه درس

- پرسش ۱۲۰
- پژوهش ۱۲۰

درس هشتم: انحصار قرائت‌های قرآنی در محدوده رسم الخط

- جمع قرآن در زمان عثمان ۱۲۳
- تعداد مصاحف امام ۱۲۶
- موضع صحابه در برابر اقدام عثمان ۱۲۷
- منظور از جمع قرآن در زمان عثمان ۱۳۱
- امامیه و مصحف امام ۱۳۴
- مبارزه حجاج با قرائت‌های تصریفی و تفسیری ۱۳۶
- خلاصه درس ۱۳۸
- پرسش ۱۳۹
- پژوهش ۱۳۹

درس نهم: تثبیت قرائات هفت گانه

- معیارهای قرائت صحیح ۱۴۱
- ابن مجاهد و تألیف السبعة فی القراءات ۱۴۳
- محاكمة ابن مقسم و ابن شنیوذ ۱۴۴
- جدول قاریان هفت گانه و دو راوی معروف آنان ۱۴۶
- اصول و فروع قرائات ۱۴۷
- میزان اختلاف قرائات هفت گانه ۱۴۸
- عوامل اختلاف قرائات ۱۴۸
- خلاصه درس ۱۵۰
- پرسش ۱۵۰
- پژوهش ۱۵۱

درس دهم: نزول واحد و قرائت واحد قرآن

- سبعة احرف و هفت قرائت ۱۵۳
- قرائت «ناس» ۱۵۶
- ۱. قرائت عاصم به روایت حفص ۱۵۸
- بررسی و نقد الف ۱۶۲

۱۶۳ بررسی و نقد ب
۱۶۷ ۲. قرائت رایج در میان مردم
۱۶۸ ۳. قدر مشترک قرائات مشهور
۱۶۸	○ خلاصه درس
۱۶۹	○ پرسش
۱۶۹	○ پژوهش

درس یازدهم: خط کوفی و واج‌های زبان قرآن

۱۷۱ خط کوفی
۱۷۴ تناسب و هماهنگی خط کوفی با زبان قرآن
۱۷۶ جدول حروف الفبای خط کوفی
۱۷۶ دیگر خطوط به‌کار رفته در کتابت قرآن
۱۷۸ عوامل جایگزینی خط نسخ در کتابت قرآن
۱۸۰ واج‌های زبان قرآن
۱۸۱ ۱. صامت‌ها (همخوان‌ها)
۱۸۳ ۲. مصوت‌ها (واکه‌ها / حرکات)
۱۸۳	○ خلاصه درس
۱۸۴	○ پرسش
۱۸۴	○ پژوهش

درس دوازدهم: قواعد رسم المصحف (آیین نگارش قرآن)

۱۸۵ رسم المصحف
۱۸۹ نگارش همزه
۱۹۱ نگارش تالی تأیث
۱۹۲ نگارش مصوت‌های کشیده
۱۹۲ ۱. مصوت کشیده / ا / (فتح بلند / الف مدی)
۱۹۲ ۲. مصوت کشیده / ی / (کسره بلند / یاء مدی)
۱۹۲ ۳. مصوت کشیده / و / (ضم بلند / واو مدی)
۱۹۳ دلیل تفاوت صورت نوشتاری برخی کلمات قرآن با صورت گفتاری آنها
۱۹۳ ۱. کم‌سواد کاتبان وحی، ضعف خط و ابتدائی بودن آن
۱۹۵ ۲. تحمّل قرائات
۱۹۶ ۳. حفظ سنت‌های نگارشی خط عربی متقدم همگام با اصلاح و تغییر تدریجی آنها

- ۱۹۸ اختلاف رسم المصحف به سبب اختلاف معنا
- ۱۹۹ توقیفی بودن رسم المصحف
- ۲۰۲ خلاصه درس
- ۲۰۲ پرسش
- ۲۰۳ پژوهش

درس سیزدهم: تغییر خط و رسم الخط قرآن

- ۲۰۵ ممنوع بودن تغییر رسم الخط قرآن
- ۲۰۷ جواز تغییر رسم الخط قرآن
- ۲۱۱ بررسی و نقد استدلال‌های قائلان به جواز تغییر رسم الخط
- ۲۱۱ ۱. «امّی» ناظر به سواد یا بی سواد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست
- ۲۱۴ ۲. املا و تعلیم حرف به حرف پیامبر اکرم به کاتبان وحی
- ۲۱۵ ۳. تأکید بر کتابت «التابوت» مطابق زبان قرآن: عربی مبین
- ۲۱۵ ۴. «لحن» به معنای خطای کاتبان نیست
- ۲۲۰ ۵. غفلت از هدف آموزش قرآن در سیره نبوی، مهم‌ترین کاستی دیدگاه قائلان تغییر رسم المصحف
- ۲۲۱ خلاصه درس
- ۲۲۱ پرسش
- ۲۲۲ پژوهش

درس چهاردهم: ضبط المصحف

- ۲۲۴ ۱. نشان دادن مصوّت‌های کوتاه با نقطه‌های گرد
- ۲۲۶ ۲. نشان دادن مصوّت‌های کوتاه، با الف، واو و یای کوچک
- ۲۲۶ ۳. نشان دادن مصوّت‌های کوتاه با ءِ
- ۲۲۹ إعجام (نقطه‌گذاری حروف)
- ۲۳۵ دیدگاه علما درباره ضبط المصحف
- ۲۳۶ خلاصه درس
- ۲۳۷ پرسش
- ۲۳۷ پژوهش

درس پانزدهم: آداب کتابت قرآن و تهیه مصحف

۱. نوشتن با رنگ سیاه بر روی صفحه سفید و پرهیز از تزئین صفحه ۲۳۹
۲. تبیین کامل حروف و کلمات ۲۳۹
۳. رعایت فاصله لازم میان کلمات و سطرها ۲۴۰
۴. درشت‌نویسی ۲۴۰
۵. تجرید قرآن از غیر قرآن ۲۴۱
- پیشنهاد ۲۴۶
- خلاصه درس ۲۴۷
- پرسش ۲۴۷
- پژوهش ۲۴۷

درس شانزدهم: مصاحف چاپی مشهور جهان اسلام

۱. مصحف شبه قاره هند ۲۴۹
۲. مصحف سلطانی (به خط حافظ عثمان) ۲۵۱
۳. مصحف امیری (مصری، قاهره) ۲۵۲
۴. مصحف مدینه منوره (به خط عثمان طه) ۲۵۳
۵. مصحف مغربی ۲۵۴
۶. مصحف مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران (کم علامت) ۲۵۷
- خلاصه درس ۲۵۹
- پرسش ۲۵۹
- پژوهش ۲۵۹

منابع و مآخذ

- الف) قرآن‌ها ۲۶۱
- ب) کتاب‌ها ۲۶۱
- ج) مقاله‌ها ۲۷۹
- د) کارگاه‌ها ۲۸۱

نمایه‌ها

- نمایه آیات ۲۸۳
- نمایه روایات ۲۹۰
- نمایه اصطلاحات ۲۹۴

پیشگفتار

از زمان تأسیس گروه علوم قرآن و حدیث در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۶ و رشته «فرهنگ عربی و رابطه آن با علوم قرآنی» (۱۳۵۲ش) در دانشگاه تهران - که در سال ۱۳۶۲، به رشته علوم قرآن و حدیث تغییر نام یافت - تاکنون، درس تاریخ قرآن به ارزش دو واحد در دوره کارشناسی برای آشنایی با شیوه کتابت و جمع و تدوین قرآن و شناخت قاریان و قرائت آنان ارائه می‌شد که به دو دلیل محتوا با عنوان هماهنگ نبود؛ یکی، آنکه در ذیل آن مباحثی همچون وحی، اسباب نزول و معرفی ترجمه‌های قرآن کریم نیز مطرح می‌شدند که با دیگر درس‌های رشته همپوشانی داشتند؛ دو دیگر، اینکه محتوای درس، چشم‌اندازی پویا و زایا، و فراگیر و کاربردی را چنان که شایسته و بایسته کلام‌الله است، نمایان نمی‌کرد و آنچه در عمل تدریس می‌شد، بخش بسیار اندکی از اهداف بلند تاریخ قرآن را در یک طراح‌ی دقیق و همه‌جانبه تأمین می‌کرد؛ زیرا درس تاریخ قرآن افزون بر اینکه باید بتواند تحقیقات و مطالعات مرتبط با پدیداری و شکل‌گیری، و مانایی و جاودانگی قرآن کریم را بازخوانی و واکاوی کند، سازماند است که نقش و جایگاه بی‌بدیل و بی‌نظیری را که قرآن کریم در سعادت بشر و عرصه‌های گوناگون زندگی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی او و بنیان‌گذاری و رشد و توسعه علوم و فنون مختلف داشته و دارد، تبیین و تحلیل کند تا با تکیه بر آن، دوران‌مداری و جهان‌داری قرآن عظیم در طول بیش از چهارده قرن و تا پایان عمر جهان، مشخص باشد.

اصطلاح «تاریخ قرآن» را نخستین بار مستشرق آلمانی، تئودور نولدکه در سال ۱۸۶۰م، به‌کار برد. پس از او گرچه خاورشناسانی همچون ریچارد بل، رییس بلاشر و جان برتن درباره شکل‌گیری متن قرآن به مطالعه و تألیف روی آوردند، ولی آثار خود را تاریخ قرآن نام نهادند.

در جهان اسلام، گویا نخستین بار موسی جارالله ترکستانی کتاب تاریخ القرآن والمصاحف را در سال ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م، منتشر کرد. با تألیف کتاب تاریخ القرآن ابوعبدالله زنجانی در سال ۱۳۵۴ق/۱۹۳۵م، اصطلاح «تاریخ قرآن» در میان مسلمانان رواج یافت؛ چنان‌که هم‌اکنون به‌رغم آنکه عالمان و مفسران بزرگ معاصر، علامه طباطبایی و استاد محمدعزیزه دروزه، عنوان تاریخ قرآن را برای مباحث مرتبط با جمع و تدوین قرآن هرگز به‌کار نبرده‌اند. بیش از ۲۵ کتاب تاریخ قرآن به زبان عربی و بیش از پنج تاریخ قرآن به زبان فارسی در دسترس‌اند.

به دلایل یاد شده، در بازنگری درس‌های رشته علوم قرآن و حدیث در مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور، در سال ۱۳۹۵، به‌جای «تاریخ قرآن»، عنوان «تاریخ کتابت و قرائات قرآن کریم» پیشنهاد شد و به تصویب رسید و کتاب پیش‌رو برای دانشجویان گرامی رشته علوم قرآن و حدیث تدوین و تألیف شد. مهم‌ترین ویژگی این کتاب – مانند دیگر اثر نویسنده با نام: آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره نبوی (بوستان کتاب، ۱۳۸۹) – تحلیل مباحث کتابت و قرائات قرآن کریم براساس نظریه «آموزش زبان قرآن» در آموزه‌های سیره نبوی است که بیش از سه دهه از عمر مبارک آن می‌گذرد.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي انزل الينا الكتاب مُفَصَّلاً و تَمَّتْ كَلِمَتَهُ صِدْقاً و عَدْلًا، لا مَبْدَل لِكَلِمَاتِهِ و هو السميع العليم؛ و صَلَّى اللهُ عَلَى رَسُوْلِهِ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ و رَحْمَةً لِّلْعَالَمِيْنَ؛ و عَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِيْنَ الْمُطَهَّرِيْنَ و اصحابه المنتجبين.

«نزول قرآن» گویای سرفصلی است که خواه ناخواه نشان‌دهنده سه مرحله است: مرحله نزد خدا بودن قرآن، قبل از نزول؛ مرحله نزول و مرحله پس از نزول قرآن. بررسی آیات آغازین سوره‌ها – که بیشتر ناظر به بیان چگونگی نزول قرآن و اوصاف آن هستند – نشان می‌دهد که قرآن قبل از نزول، نزد خداوند رحمان، در «امّ الكتاب»، «لوح محفوظ» یا «کتاب مکنون»، دارای اوصافی چون «کتاب مبین» بوده است:

«حَمِّمٌ * وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ * اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَ اِنَّهُ فِي اُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ» (زخرف، ۱-۴). «کتاب مبین» نزد خدا، «علی» است؛ یعنی بلندمرتبه و الامنزلت است، به گونه‌ای که عقل‌ها توان درک و دریافت مستقیم آن را ندارند؛ و «حکیم» است یعنی محکم و یکپارچه و حقیقتی به هم پیوسته است و به کلمات و عبارات قابل فهم و تعقل برای انسان‌ها تفصیل نیافته است. به دیگر سخن، قرآن پیش از نزول در حالت امّ‌الکتابی‌اش که وصف «لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ» را دارد، شبیه الفاظ و عبارات (بشری) نیست که امکان قرائت و تلاوت داشته باشد. بنابراین، خداوند حکیم، «کتاب مبین» را در مرحله نزول، به الفاظ و عباراتی روشن و واضح (عَرَبِيًّا) تبدیل کرد (جَعَلْنَاهُ) و آن را «خواندنی» و «خوانا» گردانید (قُرْآنًا) تا امکان قرائت، تلاوت، تعقل و تعلّم داشته باشد (لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ). در غیر این صورت، دریافت و درک کتاب مبین، فقط مختص رسول خدا ﷺ می‌شد؛ چراکه وحی و تعلیم آن، به ایشان

اختصاص داشت. در میان عالمیان، از ازل تا ابد، فقط قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظرفیت و توانایی پذیرش یکباره کتاب مبین و قرآن عربی مبین را به صورت کامل و یکپارچه داشت. در روایات، این مسئله با تعبیرهای گوناگونی بیان شده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «ألا وائی اوتیت الکتاب (القرآن) ومثله معه».^۱ از امام علی علیه السلام نیز روایت شده است: «هو [القرآن] کلام الله وتأویله لا یشبهه کلام البشر».^۲

تفصیل «کتاب مبین» به «قرآن عربی مبین» در شب قدر و در مرحله نزول انجام گرفت؛ در شبی مبارک که اجزای هر امر حکیم و سر بسته ای در آن شب از یکدیگر متمایز و جدا می گردند: «حم * و الکتاب المبین * إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة ... فیها یفرق کل أمر حکیم» (دخان، ۳-۴). در آیه نخست سوره هود نیز می خوانیم: «الر کتاب أحکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر»، لفظ «ثم» جانشین مرحله تفصیل آیات و سوره های کتاب مبین به آیات و سوره های قرآن عربی مبین است. پس آیات و سوره های «قرآن عربی مبین»، متناظر و متشابه آیات و سوره های «کتاب مبین» در «أم الكتاب» هستند و این دو، تنها در وصف تفاوت دارند: آنجا دارای وصف «حکیم و احکام» اند و اینجا دارای وصف «تفصیل»، و این تغییر وضعیت را خداوند حکیم خبیر، با علم و آگاهی انجام داد: «فصلناه علی علم» (اعراف، ۵۲) تا این قرآن مفصل، با اِقرأ و قرائت تدریجی و پیوسته، در قلب انسان ها قرار گیرد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «خداوند، کل قرآن را در ماه رمضان [در شب قدر] به پیامبر اکرم عطا کرد، ولی آن حضرت بدون اذن الهی، قرآن را ابلاغ نمی کرد. با هبوط جبرئیل و ابلاغ وحی الهی، ایشان آن مقدار از آیاتی را که مأمور به تبلیغ آن می شد، به مردم ابلاغ می کرد که همگام و هم زمان با رویدادها و مناسبت هایی بوده که شایستگی خطاب و ابلاغ را داشته اند؛ چنان که آیه «لا تحرک به لسانک لتعجل به» ناظر به همین مسئله است».^۳ بنابراین، همه گزارش ها و روایاتی که بر پایه آنها نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام دریافت وحی الهی دچار تب و لرز می شد و احساس سنگینی می کرد و گاهی از خود بی خود می شد، یا از ترس فراموشی، آنها را تند تند تکرار می کرد و خداوند با آیه «لا تحرک به لسانک لتعجل به» (قیامت، ۱۶) ایشان را از این عمل نهی می فرمود، همه مردود و نادرست اند؛ زیرا در نزول دفعی که خداوند بدون هیچ گونه

۲. صدوق، التوحید، ص ۲۶۴.

۱. ابوداود، سنن، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۴۶۰۴.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۸.

واسطه‌ای (حتی جبرئیل) قرآن را بر رسول مکرّمش اِقراء و تعلیم و تنزیل فرمود: «وَإِنَّكَ لَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ» (نمل، ۶)، آن حضرت در کمال آگاهی و بدون هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی، قرآن مبین را دریافت کرد: «فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ * مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ... مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ» (نجم، ۱۰-۱۱ و ۱۷).

پیامبر اکرم ﷺ همگام با تنزیل و ابلاغ تدریجی آیات قرآن، نظام احسن آموزش آن را همراه با تبیین اصول و اسلوب آموزش و عینیت بخشیدن به روش‌ها و شیوه‌های عملی آن، پی‌ریزی، تثبیت و ترویج کرد تا قرائت و کتابت قرآن کریم هم‌زمان و موازی با هم، بنیان‌گذاری شود و همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها و با همه تنوع و گوناگونی زبان‌ها، لهجه‌ها، نژادها، فرهنگ‌ها و سلیقه‌ها، به آسان‌ترین روش و روان‌ترین شیوه بتوانند قرآن را بیاموزند و آن را فراگیرند.

ترغیب به قرآن به جای تحمیل آن، قرائت ساده و آسان، اصلاح غیرمستقیم اشتباه‌های قرآن‌آموز، تکرار و استمرار اِقراء و قرائت در حضور مسلمانان، تعلیم و تعلّم هم‌زمان، سازماندهی و تقسیم قرآن به آیه، سوره، واحدهای موضوعی (رکوعات) و حزب، آسان‌سازی آموزش، تکرار و مداومت (به‌کارگیری آموخته‌ها) در نماز، آموزش به دیگران و مدارس قرآن، عرضه قرائت، تشویق به کتابت قرآن و خواندن از روی مصحف و عرضه مصحف برای رفع کاستی‌ها و افزوده‌های احتمالی از عوامل مهم ترویج و تثبیت قرائت قرآن در سیره نبوی‌اند.

رسول خدا ﷺ هم‌زمان و موازی با ابلاغ، آموزش و ترویج تدریجی قرآن کریم، نسبت به کتابت و تثبیت متن قرآن اهتمام فراوانی داشتند، به‌گونه‌ای که همه علمای اسلامی درباره نگارش کل قرآن در عهد رسالت آن حضرت یک سخن‌اند. بر پایه آموزه‌های نبوی در نظام آموزش قرآن، مسلمانان نیز، پس از یادگیری شفاهی قرآن به نوشتن آن تشویق و ترغیب می‌شدند تا از آن پس، بر تلاوت و قرائت خویش با نگاه به متن مکتوب قرآن (مصحف) مداومت داشته باشند. مسلمانان برای جلوگیری از هرگونه خطا و پریشانی در متن مکتوب قرآن، «قرائت» و «مصحف» خویش را بر معلّمان و مُقریان قرآن یا مصاحف آنان عرضه می‌کردند. بدین‌سان، قرائت و کتابت قرآن، پشتیبان و حافظ یکدیگر و موجب حفظ اصالت قرآن شدند.

در پایان با استقبال از پیشنهادها و نقدهای سازنده خوانندگان گرامی، از استاد فرزانه‌ام جناب آقای دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، برادر فرهیخته‌ام جناب آقای دکتر محمدرضا ستوده‌نیا و

همکار ارجمندم سرکار خانم دکتر الهه شاه‌پسند صمیمانه سپاسگزارم و این اثر را به مادرم تقدیم می‌کنم که با تلاوت‌های آسان و دلنوازش، به‌ویژه در سحرگاهان و شامگاهان، جان و قلبم را به «صدای سخن دوست» که در «این گنبد دوار طنین‌انداز است»، پیوند می‌داد و آرامش می‌بخشید. رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا؛ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

محسن رجبی قدسی

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد مقدس

۷ دی ۱۳۹۷ش / ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ق

rajabi@quran.ac.ir

تعریف مفاهیم پایه

۱. قرآن

واژه قرآن، مصدر یا اسم مصدری است از ریشه «قرأ» به معنای «خوانده شده، خواندنی، قابل خواندن و خوانا»؛^۱ و در اصطلاح، «قرآن»، سخن و کلام خداوند متعال است که آن را بر رسول مکرّمش، خاتم پیامبران، «إقراء»، «قرائت» و «تلاوت» کرده: «سُنُّرْتُكَ فَلَا تُنْسِي» (اعلی، ۶) و پیامبر اکرم، قرآن را همان گونه که دریافت کرده بود: «فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» (قیامت، ۱۸)؛ به تدریج به مردم ابلاغ نمود و بر آنان خواند: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ» (اسراء، ۱۰۶). مردم نیز همان گونه که از رسول خدا ﷺ فراگرفته اند، آن را خوانده و می خوانند؛ به طوری که قرآن در قلب ها جمع و حمل شده: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (عنکبوت، ۴۹) و در مصحف های متعددی کتابت و تدوین یافته است. نام گذاری «کلام الله» به «قرآن» حکایت از آن دارد که طبیعت، ماهیت، هدف، آغاز و انجام قرآن در «خواندن» و «حمل» آن خلاصه می شود؛ چراکه تدبّر و دریافت هدایت و رحمت، و حکمت و شفای قرآن، با قرائت و تلاوت، خواندن و بازخوانی مکرّر آن، تدارک و سامان می یابد.

۱. اگر «قرأ» را به معنای «جَمَعَ» یا قرآن را از ریشه «قَرَنَ» یا برگرفته از «قرائن» بدانیم، قرآن یعنی مجموعه ای هماهنگ و همسو که همه اجزای آن قرینه، مشابه، مصدّق و مُتَبِّين یکدیگرند (سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲).

۲. قرائت

«قرأ» به معنای «خواندن، بلند و شمرده خواندن، دعوت کردن»، واژه‌ای کهن در زبان‌های سامی از جمله آرامی، عبری، سریانی و ببطی است.^۱ در عربی نیز «قرأ، یقرأ، قراءة» به معنای «خواندن، از بر خواندن و فصیح خواندن» آمده است. معناهای دیگری نیز بر این واژه حمل شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: جمع کردن، فراهم آوردن، ابلاغ کردن، حمل کردن و القا کردن.^۲ از این رو، در صدر اسلام، «قاری قرآن» مساوی با «حامل و حافظ قرآن» بود؛^۳ زیرا تا فردی قرآن را حمل و حفظ نمی‌کرد، به درجه قاری قرآن دست نمی‌یافت.

راغب اصفهانی (د ۵۰۳ق) قرائت را ملحق کردن هریک از حروف و کلمات به یکدیگر، به صورت ترتیل می‌داند.^۴ بنابراین، قرائت قرآن یعنی خواندن آیات به صورتی شمرده، روشن و واضح، به گونه‌ای که شنونده بتواند هریک از آواها و کلمات را هنگام خواندن تشخیص و تمییز دهد. چنان‌که قرائت رسول خدا ﷺ در مقام آموزش قرآن این‌گونه بود: «كَانَ النَّبِيُّ يَقَطَعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً»^۵ و «قِرَاءَةٌ مُفَسَّرَةٌ حَرْفًا حَرْفًا»؛^۶ یعنی قرائت پیامبر اکرم ﷺ فراز به فراز و آیه به آیه بود و همه آواها و واژه‌های کلام خدا به صورتی روشن و مشخص (مفسره) ادا و اظهار می‌شدند، به طوری که مستمع، آنها را به آسانی و به طور کامل می‌شنید. فیض کاشانی ذیل تعریف «ترتیل» به «حفظ الوقوف و بیان الحروف» آورده است: «ترتیل در قرائت باید چنان باشد که تک تک حرف‌ها (آواها)، کاملاً آشکار، واضح و بدون هیچ ابهام و پیچیدگی به گوش شنونده برسد، به گونه‌ای که اگر خواستار شمارش آنها شد، بتواند آنها را بشمارد، همان‌گونه که روایت شده قرائت پیامبر اکرم ﷺ این‌گونه بوده است».^۷

۳. تلاوت

تلاوت از ریشه «ت ل و»، به معنای «خواندن، از بر خواندن و پیروی کردن» است. شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) تلاوت و قرائت را در قرآن به یک معنا می‌داند،^۸ اما راغب اصفهانی معتقد است:

۱. مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، ج ۲، ص ۶۸۱-۶۸۲.
۲. ابن منظور، لسان العرب، ذیل «قرأ».
۳. فراهیدی، العین، ذیل «ق ر أ».
۴. مفردات، ذیل «قرأ».
۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۶؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۴۴، ص ۲۰۶، ح ۲۶۵۸۲.
۶. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۳۲، ح ۲۹۲۳.
۷. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۲۵.
۸. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۵۲.

«تلی» یعنی «متابعت و پیروی کردن» که اگر متابعت با قرائت و تدبیر همراه باشد، مصدرش «تلاوة» است.^۱ به سخن دیگر، در قرآن، تلاوت با قرائت و عمل به مضمون‌های آن حاصل می‌شود. از این‌رو هر تلاوتی، قرائت است؛ ولی هر قرائتی، تلاوت نیست. با توجه به ساخت‌های مختلفی که از ریشه «تلی» و «تلو» در زبان قرآن و زبان عربی به‌کار رفته است، می‌توان گفت: «تلاوت» با قرائت و در پی آن شکل می‌گیرد. در تلاوت، مفهوم خاص دوباره‌خوانی یا بازخوانی نهفته است؛ یعنی تلاوت، قرائتی است که انسان آن را همان‌گونه که دریافت کرده، با خود دارد و با آن هم‌نشین و مأنوس و در پی آن روان است و گویی پیاپی، کلام و صدای صاحب سخن را می‌شنود و می‌تواند در همه جا آن را پی‌جویی و در آن تدبیر کند. به سخن دیگر، تلاوت یعنی تدبیر در قرآنی که شخص بیشتر شنیده و به قلب و ذهن خویش سپرده است و اکنون در حال بازخوانی آن است؛ هرچند از روی نوشته بخواند.^۲

۴. کتابت

در خانواده‌ی زبان‌های سامی، «کتب» به معنای دبیری کردن و یک نوع نوشتن است که رسمیت خاصی دارد.^۳ در فرهنگ‌های عربی، «کتب» افزون بر نوشتن، به معنای درز چیزی را دوختن، افزودن چیزی بر چیز دیگر و جمع کردن آنها نیز آمده است.^۴ برخی اصل معنایی این ماده را اظهار آنچه در ذهن و اراده و تثبیت آن در خارج به‌وسیله‌ی اسبابی که مناسب آن است، می‌دانند. بنابراین در اصل معنایی آن، دو قید اصلی وجود دارد: «اظهار» و «تثبیت» که یکی از راه‌های تثبیت، نوشتن حروف و به تصویر کشیدن کلمات است.^۵

امروزه کتابت قرآن گرچه بیشتر به معنای خوشنویسی قرآن به‌کار می‌رود، ولی در این نوشتار به معنای نوشتن قرآن با رعایت قواعدی است که در علوم قرآنی به آن قاعده‌ها، «رسم‌المصحف» (رسم‌الخط قرآن یا آیین نگارش قرآن یا دستور خط قرآن) گفته می‌شود.

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ذیل واژه «تلی».

۲. لسانی فشارکی و غفاری، آموزش زبان قرآن، ص ۳۹-۴۳.

۳. مشکور، فرهنگ تطبیقی، ج ۲، ص ۷۴۶. ۴. ابن فارس، ترتیب مقایس اللغه، ص ۸۴۸.

۵. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ذیل «کتب».

۵. خط

خط یا نوشتار (Writing) مجموعه‌ای از نشانه‌های دیداری یا ملموس است که برای تثبیت گفتار زبان و تولید دوباره آن به کار می‌رود. زبان (Language) از توانایی‌های خداداد ذهن انسان است: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرَّحْمَنُ، ۱-۴) و کارکرد اصلی آن، ایجاد ارتباط میان خدا و انسان و انسان‌ها با یکدیگر است. گفتار (speech)، نمود آوایی زبان است که بیشتر انسان‌ها آن را از راه گوش می‌شنوند. خط، نسبت به زبان و گفتار، پدیده‌ای نوین است که برخی پیدایش آن را حدود ۱۰ تا ۲۰ هزار سال پیش می‌دانند. خط مانند دیگر پدیده‌های اختراعی دست بشر، مسیر تدریجی و تکاملی را پیموده است و در هر دوره‌ای و بنا به ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی، شیوه‌های متفاوتی برای نگارش و حفظ اطلاعات و دانش به کار می‌رود.^۱

۱. گاور، تاریخ خط، ص ۱-۲ و ۳۵.

درس اول

ابلاغ و آموزش قرآن در سیره نبوی

اهداف آموزشی:

- آشنایی با راهکارهای پیامبر اکرم ﷺ برای رساندن کلام خدا به مردم در مکه و مدینه؛
- شناخت روش رسول خدا ﷺ برای تعلیم قرآن؛
- آگاهی از شیوهٔ اِقراء و تثبیت قرآن در قلب و ذهن مسلمانان.

ابلاغ قرآن در مکه

با آغاز نزول و ابلاغ تدریجی آیات قرآن از جانب خداوند حکیم بر رسول اکرم، ایشان موظف شدند آیات نازل شده را به مردم ابلاغ کنند؛ یعنی آیات قرآن را بر مردم قرائت و تلاوت کنند تا قرآن به گوش مردم برسد:

- «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» (جمعه، ۲)؛
- «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ نَزْلاً بَيِّنًا» (اسراء، ۱۰۶)؛
- «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ» (بقره، ۲۵۲؛ آل عمران، ۱۰۸)؛ «وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ» (شعراء، ۶۹).

پیامبر اکرم ﷺ برای ابلاغ نخستین آیات، روی صخرهٔ بلندی بر دامنهٔ کوه صفا و مشرف بر محل اجتماع مردم مکه رفتند و با ندای «یا صباحاه! یا صباحاه!» که دلالت بر وقوع حادثه‌ای مهم و بزرگ داشت، مردم را فراخواندند^۱ و با اعلان نبوت و رسالت الهی خویش، آن آیات را بر مردم

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۳۲۹، خ ۲۵۴۴.

تلاوت و قرائت فرمودند و از آن پس تا زمانی که مشرکان مانع نشدند، غالباً بر فراز آن مکان رفته، می‌ایستادند و آیات را بر مردم قرائت می‌کردند.

بدین‌سان، زمینه شناخت قرآن و آشنایی مردم با آن فراهم آمد و اندک‌اندک افرادی که با شنیدن آیات قرآن، هم شیفته اسلوب ویژه و نظم آهنگ بی‌نظیر و بیان شیوا و دلربای آن شده بودند و هم فرهنگ آزادی‌بخش آن را مایه هدایت و رحمت و شفای دردهای خود یافته بودند، اسلام آوردند؛ و روز به روز ایمان آنان به قرآن به‌عنوان «کلام‌الله» که بر هر کلامی فضیلت و برتری دارد، افزوده می‌شد.

مشرکان و بدخواهان قریش که از آغاز بنای مخالفت و ناسازگاری با پیامبر اکرم و قرآن را گذاشته بودند و ترویج قرآن را به ضرر و زیان خود می‌پنداشتند، بر مخالفت‌ها و ایجاد موانع مختلف بر سر راه اِقرآء و قرائت قرآن افزودند، ولی رسول خدا از فرصت‌های مناسب برای ابلاغ قرآن بهره می‌برد. به‌رغم این شرایط، در طول سیزده سال اقامت پیامبر اکرم در مکه، بیش از نیمی از سوره‌های قرآن به‌تدریج نازل و ابلاغ شدند. این سوره‌ها بعدها به «حزب مَفْصَل» (سوره، از سوره قاف تا سوره ناس) معروف شدند؛ ابن‌مسعود گفته است: «نَزَلَ الْمُفْصَلُ بِمَكَّةَ فَمَكَّنَّا حِجْبًا نَقْرُوهُ لَا يَنْزِلُ غَيْرُهُ»؛^۱ [سوره‌های حزب] مفصل در مکه نازل شدند و ما این سوره‌ها را سال‌ها می‌خواندیم؛ بی‌آنکه سوره‌های دیگر قرآن [در آن مدت] نازل شوند.

جامعه آن روز مکه مانند دیگر جوامع، اسیر طاغوت‌هایی همچون ابولهب‌ها و ابوجهل‌هایی شده بود که با سوء استفاده از جهل و خرافه‌گرایی و تفرقه و اختلاف مردم، خود را عملاً مالک و ارباب مردم می‌پنداشتند و بند بندگی و بردگی را بر گردن آنان آویخته بودند و با حاکم ساختن یک نظام سلطه فرهنگی و اقتصادی بر جامعه آن روز، مردم را به خفت و مذلت کشانده بودند.

ابلاغ و قرائت نخستین سوره‌های قصار (کوتاه) قرآن؛ مانند سوره ناس، فلق، اخلاص و مسد، به‌مثابه شعار و سرود آزادی و رهایی مردم از چنگال این نظام سلطه بود و آنان را به سوی «مالک»، «رب»، «اله»، «صمد» و پناهگاه و پناه‌دهنده اصلی و حقیقی همه انسان‌ها؛ یعنی «الله أحد» و «الله الصمد» رهنمون می‌ساخت؛ خداوندی که احدی مانند او نه زاده شده، و نه زاده خواهد شد، و کسی هم‌تا و مانند او نیست.^۲ به سخن دیگر، سوره‌های آغازین (حزب مفصل)

۱. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۲۵۸، ح ۶۳۴۴.

۲. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی، ص ۷۲-۷۳.

پایه‌گذار یک انقلاب و تحوّل بزرگ زبانی فکری فرهنگی و در عین حال، الهی و تدریجی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بودند که بر مبنای «قل» (بگو) و ترویج و تثبیت آن بر گوش و قلب و زبان مردم بنا شده بود.

گویا ابن مسعود، پس از رسول خدا نخستین مسلمانی بود که بر فراز کوه صفا رفت و قرآن را با صدایی رسا و روان، در منظر همگان قرائت و اِسماع کرد و مشرکان قریش سخت برآشفتمند و با ضرب و شتم، او را از ادامه قرائت قرآن بازداشتند.^۱

سران قریش که از مشاهده تأثیر روزافزون قرآن بر مردم سخت ناراحت و پریشان شده بودند و منافع و مطامع نامشروع خود را در خطر سقوط می‌دیدند، با اضطراب و سرآسیمگی، با ترفندهایی همچون: تطمیع، تهدید، شکنجه، محاصره و سرانجام تبعید و اخراج، به گمان باطل خویش، می‌کوشیدند تا از گسترش و ترویج قرآن در میان مردم، به‌ویژه در خارج از مکه جلوگیری کنند. آنان از نفوذ قرآن بر خود نیز هراس داشتند و یکدیگر را سفارش می‌کردند نه تنها به قرآن گوش نِسپارند، بلکه هنگام قرائت قرآن با ایجاد غوغا و همه‌همه نگذارند نوای روح‌بخش قرآن به گوش خودشان و دیگران برسد:^۲ «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» (فصلت، ۲۶). با رفتار و تدبیرهای حکیمانه پیامبر اکرم نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان خنثی شدند؛ که یکی از آن تدبیرها، ابلاغ قرآن در قالب نماز بود.

طُفَیل بن عمرو دؤسی (د۱۱ق) شاعری از اشراف قبیله دؤس وارد مکه شد. مشرکان قریش از او و دیگر تازه‌واردان خواستند به سخنان محمد گوش ندهد. او می‌گوید: «سپیده‌دم وارد مسجدالحرام شدم؛ در حالی که رسول خدا کنار کعبه به نماز ایستاده بود. نزدیک شدم و از ترس اینکه مبادا چیزی از کلام او را بشنوم، در گوش‌هایم پنبه گذاشته بودم، ولی با این حال، خدا خواست قسمتی از کلام او را بشنوم؛ آن را کلامی نغز و دل‌پسند یافتم. با خود گفتم: من فردی ادیب و سخن‌شناس هستم؛ چه مانعی دارد کلام این مرد را کامل بشنوم! اگر درست و زیبا بود، قبول می‌کنم و اگر زشت و ناروا بود، نمی‌پذیرم؛ لحظاتی صبر کردم تا محمد به سمت منزلش روان شد. خود را به او رساندم و خواستم امرش را بر من نیز عرضه بدارد. امرش را با سلام و تلاوت قرآن (سوره‌های «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»)^۳

۲. همان، ص ۳۴۰.

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. حلبی، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۵۱۳.

آغاز کرد. به خدا سوگند! تا آن زمان، هرگز سخن و کلامی را زیباتر و امری را استوارتر و عادل‌تر از قرآن نشنیده و نیافته بودم؛ پس اسلام آوردم و شهادت و گواهی به حقانیت آن دادم. پس از آن، همواره اسلام را در میان قبیله‌ام تبلیغ کردم و به تدریج، افراد بسیاری از قبیله‌ام مسلمان شدند.^۱

ابن عباس (۶۸۵ق) گفته است: «هنگامی که رسول خدا آیات قرآن را با صدایی رسا در نماز قرائت می‌کرد، مشرکان قریش مردم را از نزد رسول خدا دور می‌کردند و آنان را از شنیدن قرآن باز می‌داشتند. اگر کسی خواهان استماع قرآن بود، باید دور از چشم مشرکان، طوری که شناخته نشود، به استماع قرآن بپردازد، وگرنه با آزار و اذیت آنان مواجه می‌شد. از این‌رو خداوند متعال به رسول اکرم ابلاغ فرمود: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (اسراء، ۱۱۰). «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ»؛ یعنی هنگام قرائت قرآن، صدایت را نه آن‌قدر بالا ببر که باعث جلب توجه مشرکان به آن شود و مردم را پراکنده کنند، و «لَا تُخَافُتْ بِهَا» و نه آن‌قدر صدایت را پایین بیاور (مخفی کن) که گوش فرا دادن به آن برای مسلمانان و مشتاقان سخت و ناممکن باشد: «وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»، بلکه با صدایی معمولی که میان این دو حالت است، قرآن را قرائت کن.^۲

مسلمانان نیز در نماز به ابلاغ قرآن می‌پرداختند؛ چنان‌که قرائت قرآن ابوبکر و نماز او در منزلش موجب جلب توجه و گرایش زنان، کودکان، غلامان و کنیزکان شده بود. از این‌رو مشرکان قریش از او خواستند دست از این کار بردارد یا در جایی قرآن و نماز بخواند که صدایش به گوش کسی نرسد.^۳

ابلاغ قرآن در مدینه

در مدینه برای آشنایی و معارفه مردم با قرآن وضعیت بسیار متفاوت از مکه بود. دوازده تن از مردم شهر یثرب - شهری که با ورود پیامبر به «مدینه النبی» تغییر نام داد - در سال دوازدهم بعثت در عقبه منا با پیامبر اکرم دیدار کردند و بر عمل به آموزه‌های مهم قرآن با آن حضرت هم‌پیمان شدند (بیعت عقبه اولی). رسول خدا، مُصَعَّب بن عُمَیر (د۳ق) را همراه آنان به یثرب

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۴-۳۶. نیز ر. ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۸۲.
 ۲. ابن اسحاق، سیره، ص ۲۰۶؛ ر. ک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۱۵۵.
 ۳. ابن اسحاق، همان، ص ۲۳۵؛ صنعانی، المصنّف، ج ۵، ص ۳۸۴، ح ۹۷۴۳.

فرستاد و او سوره‌های مکی را به ایشان آموزش داد و در مدینه نماز جماعت برگزار کرد و به نخستین مَقْرئ مدینه مشهور شد.^۱

براء ابن عازب می‌گوید: «مُصْعَب بن عُمَيْر و عبدالله بن اُمّ مکتوم، نخستین معلّمان قرآنی بودند که وارد مدینه شدند و قرآن را به مردم می‌آموختند و من پیش از ورود پیامبر اکرم به مدینه، سوره اعلیٰ و برخی دیگر از سوره‌های حزب مفصل را فرا گرفته بودم و قرائت می‌کردم».^۲

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: «ما پیامبر و رسالت او را تصدیق کردیم و هر فردی که ایمان خود را اعلام می‌کرد، قرآن را نیز فرا می‌گرفت و با مسلمان شدن او، خانواده‌اش نیز مسلمان می‌شدند، به طوری که خانه‌ای در یثرب باقی نمانده بود که اسلام خود را اظهار و آشکار نکرده باشد».^۳ از این رو، رسول خدا فرمودند: «فَإِنَّ الْمَدِينَةَ فُتِحَتْ بِالْقُرْآنِ»؛^۴ مدینه با [تعلیم و تعلّم] قرآن [و ترویج همگانی آن در میان مردم] فتح شد.

بدین سان با ورود پیامبر اکرم به مدینه، ابلاغ و قرائت آیات، دور از هرگونه مشکل و محدودیتی انجام می‌پذیرفت و آیات و سوره‌های قرآن، دهان به دهان و سینه به سینه در میان مردم رواج می‌یافتند. مسجدالتبی کانون آموزش و ترویج قرآن بود. عایشه، همسر پیامبر می‌گوید: همین که قسمت‌های پایانی سوره بقره نازل شدند، رسول خدا به مسجد رفت و ضمن تلاوت آنها بر مردم، خرید و فروش شراب (نوشیدنی‌های مَسْت‌کننده و سُکرآور) را حرام و ممنوع کرد.^۵

پیامبر اکرم از هر فرصتی برای ابلاغ و آموزش و ترویج قرآن بهره می‌بردند. امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ عَلَيَّ كُلَّ حَالٍ»؛^۶ رسول خدا در همه احوال، قرآن را به ما إقراء می‌کردند. جابر بن عبدالله می‌گوید: «رسول خدا پس از طواف کعبه، نزد مقام [ابراهیم] دو رکعت نماز خواند؛ سپس آیه «وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» [بقره، ۱۲۵] را با صدای بلند قرائت کرد تا مردم آن را بشنوند».^۷

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۷۹-۸۲؛ صنعانی، المصنّف، ج ۳، ص ۱۶۰، ح ۵۱۴۶.

۲. طيالسی، مسند، ج ۲، ص ۸۰، ح ۷۳۹؛ بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۶۶، ح ۳۹۲۵.

۳. احمد بن حنبل، مسند، ج ۲۲، ص ۳۴۷، ح ۱۴۴۵۶.

۴. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۱.

۵. بخاری، صحیح، ج ۶، ص ۳۲، ح ۴۵۴۱.

۶. ترمذی، سنن، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۱۴۶.

۷. ابن ابی داوود، المصاحف، ص ۱۰۸.

با گسترش اسلام در خارج از مدینه، پیامبر اکرم معلّمان و مقریان قرآن را برای ابلاغ و قرائت آیات و سوره‌های جدید به سوی مسلمانان می‌فرستاد؛ چنان‌که حضرت علی (علیه السلام) را در سال نهم هجری به مکه فرستاد تا در موسم حجّ، آغازین آیات سوره براءت (توبه) را بر مردم قرائت کند.^۱

إِقْرَاء (تعلیم قرآن)

خداوند رحمان و نخستین معلّم قرآن که فرمود: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ»، در مقام بیان روش آموزش قرآن به رسول اکرم می‌فرماید: «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» (اعلی، ۶)؛ دو جمله تشکیل‌دهنده این آیه با «فاء» به هم متصل‌اند و آنچه پس از «فاء» آمده، حاصل و نتیجه جمله پیشین است؛ یعنی ما آیات قرآن را بر تو إقراء می‌کنیم و تو نیز چنان فرا می‌گیری که هیچ‌گاه فراموشت نشود. در تبیین معنای إقراء و بیان شیوه آن، در آیه هجدهم سوره قیامت آمده است: «فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ قُرْآنَهُ»؛ هرگاه آیات قرآن را قرائت کردیم، تو قرائت ما را بازگو کن. «نُقْرِئُكَ» در آیه «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» به «نُعَلِّمُكَ» تفسیر شده است؛^۲ یعنی تعلیم قرآن، مساوی با اقرء آیات است و اقرء آیات، با تعلیم قرآن برابر است.

پیامبر اکرم در مقام آموزش قرآن از همین روش الهی (اقرء) پیروی کرد و آیات را بر قرآن‌آموزان اقرء می‌فرمود. امام علی (علیه السلام) نخستین مرد مسلمان و از حاملان قرآن، می‌فرماید: «مَا تَزَلَّتْ آيَةٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَقْرَأْنَاهَا...»؛^۳ هیچ آیه‌ای بر رسول خدا نازل نمی‌شد، جز اینکه آن را بر من اقرء و قرائت می‌کرد و من آن را فرا می‌گرفتم و قرائت می‌کردم. انس بن مالک (د۹۳ق) می‌گوید: «... النَّبِيُّ قَائِمٌ يُقْرَى أَصْحَابَ الصُّفَّةِ...»؛^۴ پیامبر ایستاده، [قرآن را] برای اصحاب صفّه اقرء می‌کرد.

همچنین پیامبر اکرم می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»؛^۵ بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد. آن حضرت در بیان روش آموزش قرآن نیز فرموده‌اند: «خَيْرُكُمْ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَقَرَأَهُ»؛^۶ بهترین شما کسی است که قرآن را می‌خواند و [به دیگران] اقرء می‌کند. بنابراین مُقَرِّی یا معلّم قرآن، کسی است که قرآن را به روش اقرء آموزش می‌دهد. مُسْتَقْرِی یا

۱. واقدی، مغازی، ج ۳، ص ۱۰۷۷.

۲. فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۱۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۴.

۴. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ص ۳۴۲.

۵. بخاری، صحیح، ج ۶، ص ۱۹۲، ح ۵۰۲۷.

۶. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۳۰۶۲.